

مدرسه شهری

شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶

No.48 Autumn 2017

۱۴۴-۱۲۹

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۵/۲۵

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۹/۱۲

تحلیل نشانه شناختی بافت تاریخی کرمان بر پایه ارتباط لایه های متن / بافت

علیرضا غفاری* - استادیار گروه معماری، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

چکیده

Semiology Analysis of Kerman Historical Context Based on the Relation of Text/Context Layers

Abstract

The historical context of Kerman makes a valuable collection of urban texture and architecture of Iran, which has considerable properties regarding architecture and urbanism. Among the issues associated with semiotics is how architectural semiotic layers (text / context) are related to stability and dynamic architecture or systematic instability of architecture. In order to explain this in the current paper, besides describing the concepts of iconic, symbolic and indexical semiotics, aesthetic and social semiotic codes that are affected by the above concepts are also introduced. Then, three major approaches of semiotics, namely, Syntagmatic relation, Paradigmatic relation and cultural semiotics are explained; it is also determined how the constructed layers of the codes affected by this approach may strengthen, dynamite or destroy the system of the urban architecture and context of the studied area located in the historical context of Kerman. Accordingly semiotic analysis of the desired text / context in both past and contemporary period will determine how different constructing layers of the traditional text / context are increasingly and contextually related, and adversely, how in the current state, due to the disrupted relation of layers, including structural, functional, aesthetic and conceptual relation, the results syntagmatic and paradigmatic relations of these layers caused separation and perturbation of the contextual system. At the end of the article, it is recommended that to strengthen the system and create a coherent and functional tissue, it is required to cognition and congruence of syntagmatic and paradigmatic relations in different layers of text / tissue.

Keywords: text of architecture, syntagmatic relation, paradigmatic relation, semiotics of context, layers of text/context

بافت تاریخی کرمان، مجموعه ارزشمندی از معماری و بافت شهری این مرزو بوم است که از جهت معماری و شهرسازی، خصوصیات قابل تأملی را دارد. از مسائل مطرح نشانه شناسی، چگونگی ارتباط لایه های نشانه - شناختی معماری (متن/بافت) برپایداری و پویایی یا عدم پایداری سامانه ای معماری می باشد. در این مقاله جهت تبیین این مسئله، ضمن تشریح مفاهیم نشانه شناسی شمایل، نماد و نمایه، رمزگانهای نشانه شناختی، زیبایی شناسی و اجتماعی که متأثر از مفاهیم فوق هستند، معرفی می گرددند. سپس سه رویکرد مهم نشانه شناختی تحت عنوان مناسبات همنشینی و جانشینی و نشانه شناسی فرهنگی تبیین و مشخص خواهد شد که لایه هایی متشکل از رمزگان ها، چگونه تحت این رویکردها سبب قوام و پویایی یا زوال سامانه بافت معماری و شهری محدوده مورد مطالعه در بافت تاریخی کرمان خواهند شد. تحلیل نشانه شناختی بر اساس مدلی مبتنی بر مبانی نظری و پارامترهای نشانه شناختی در مورد متن/بافت محله ها، دردو بازه زمانی گذشته و معاصر، مشخص خواهد کرد که چگونه لایه های مختلف و بالعکس در وضعیت معاصر به دلیل برهم هم افرا و بافت ساز داشته و بافت سنتی، ارتباطی خوردن ارتباط لایه های رمزگان، اعم از اجتماعی - فرهنگی، کارکردی، زیبایی شناختی، معنایی و...، نتایج حاصل از مناسبات ها، انسجام زدایی و اغتشاش سامانه بافت راموجب شده است. در پایان تشریح و توصیه خواهد شد که شرط لازم برای هم افزایی، انسجام و تقویت این سامانه و آفرینش بافتی کارکردی، تناسب و توازن در تغییرات همنشینی و جانشینی لایه های متفاوت متن / بافت می باشد.

واژگان کلیدی: متن معماری، مناسبت همنشینی، مناسبت جانشینی، نشانه شناسی بافت، لایه های متن / بافت.

۱. مقدمه

کرمان داشته و چگونگی این نقش‌های نشانه‌ای و ارزش‌های منبعث از آنها، هم افزای و بافت ساز شده و یا در تقابل با هم قرار گرفته و سبب پاشیدگی و عدم انسجام و پویایی بافت امروزه می‌گردد.

فضا، یا یک ساختار فضایی (هندسی)، یک متن است؛ شهر چنین فضایی است. هر شهر ساختاری است که نشانه‌های آن با ساکنانش و بازدیدکنندگانش سخن می‌گوید و بر معانی ویژه‌ای دلالت می‌کند. در حقیقت در مفهوم نشانه شناختی، زبانی (لایه‌های رمزگان) و نظمی برای هر ساختاری وجود دارد که به واسطه این زبان بین کسانی که رمزگان آن زبان را به سنجش برده و پذیرفته‌اند ارتباطی به شکل معنا حاصل می‌شود. نقشه یک شهر، ساختار و رابطه کوچه‌ها، رابطه خانه‌ها با یکدیگر، رابطه تمام فضاها و دانه‌های محله با هم و شهر، روابط فرهنگی خاصی برای ساکنین آن فضا می‌آفریند. بنابراین معماری و بافت معماری نمونه دقیقی از یک ساختار نظام مند است که در درون خود لایه‌های کارکردی و زیایش‌شناختی منحصر به فردی را دارد. صحبت از کارکرد عناصر یک نظام، خود پایه نظری نشانه شناسی است. ولی «نشانه‌شناسی معماری»^۱ با این فرض که عناصر معماری جدا از کارکرد خود معناهایی فراتر را دلالت می‌کنند، راه خود را از کارکرد گرایی^۲ جدا می‌کند. «ایمس راپورت»^۳ بر این عقیده است که: «معنا در قالب نشانه، مصالح، رنگ، شکل، اندازه، اثاث، محوطه و نظایر آن مجسم می‌شود» (راپورت، ۱۳۸۲، ص. ۷۱). در واقع او «نشانه» را چیزی غیر از عناصر معماری می‌داند، در حالیکه از دید یک نشانه شناس، تمام این عناصر نشانه‌اند و در بستر ساختار متنی فضای معماری در ارتباط با یکدیگر معنا سازی می‌کنند. این همان فرآیند دلالت^۴ است. در این پژوهش بر پایه دانش نشانه شناسی که هر اثری از جمله بنایهای معماری و بافت معماری به مثابه یک متن است، به ژرف کاوی لایه‌های متفاوت تولید متن (بافت تاریخی کرمان) پرداخته تا مشخص گردد که چگونه لایه‌های متن^۵ (معماری / بافت) در سطوح مختلف رمزگانی «همزمانی»^۶ و «در زمانی»^۷ با یکدیگر ارتباط سامانه‌ای پویایی داشته و می‌توانند یکدیگر را تقویت و یا تضعیف نمایند. مسئله اصلی بر این امر استوار است که تعامل لایه‌های مختلف متن (بافت) چه نقشی در تعریف پایه‌ای یک سامانه منسجم معماری همچون بافت تاریخی

۲. روش تحقیق

نشانه‌شناسی به عنوان دانشی که به تحلیل‌های متنی می‌پردازد، شناخته شده است. بنابراین یکی از ویژگی‌های آن توجه به تحلیل‌های ساختاری است. تمرکز تحلیل‌های ساختارگرا بر آن روابط ساختاری است که در نظام‌های دلالتی در یک لحظه‌ی خاص وجود دارند. در این مقاله با دیدگاه تحلیلی نسبت به مفاهیم و مولفه‌های نشانه شناسیک می‌نگردد و با استناد به این مفاهیم و نظریات سعی دارد که به کمک تحلیل ساختارها بر اساس مناسبات‌ها و روابط همنشینی و جانشینی به خوانش لایه‌های مختلف متن (معماری بافت) در بافت تاریخی کرمان در محله‌های مورد نظر بنگرد. نوع اطلاعات مرتبط با موضوع بر پایه زمینه‌های تاریخی، تفسیری و به ویژه کالبدی می‌باشد. ضمن بهره‌گیری از این اطلاعات از گونه تحقیق استدلالی - منطقی نیز در تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

۳. چارچوب نظری

نمود مؤلفه‌های سه گانه پیرس در رویکرد نشانه‌شناسی

برخی نظریه پردازان دانش نشانه شناسی همچون چارلز سندرز پیرس^۸ اعتقاد دارند که «تنهای در پرتو نشانه‌های است که می‌توان اندیشید و تفکر بدون نشانه امکان پذیر نمی‌باشد». یکی از موارد طبقه بندی نشانه که هنوز به طور گستردگی در مطالعات نشانه شناختی به آن ارجاع می‌شود، طبقه بندي سه گانه‌ای است که پیرس ارائه کرده است. پیرس، خود این طبقه بندي را بنیادی ترین تقسیم بندي نشانه‌ها می‌داند (Peirce, 1937-58: 564).

پیرس معتقد است سه نوع نشانه وجود دارد:

۱. **نشانه‌های شمايلی**^۹: آن دسته از نشانه‌هایی که رابطه بین دال و مولول، مبنی بر تشابه است. یعنی دال از برخی

جدول ۱. شاخص‌های رمزگان‌ها؛ مأخذ: مجیدی و زرآبادی، ۱۳۸۹، ص ۵۲

شاخص‌های رمزگان‌های منطقی
ماهیت: بر اساس نظامی از اصول بدیهی دامنه کاربرد: باز نمایی عینی یک ساختار پیچیده انواع رمزگان: نظام‌ها، عالم‌تی، قوانین و برنامه‌های آموزشی
ماهیت: غالباً منش شمایلی دارند و با آفرینش همراهند و نشأت گرفته از تجربه احساسی هستند دامنه کاربرد: انتقال چند وجهی معنا، وحدت پیام و موضوع انواع رمزگان: هنر، معماری، نقاشی و ...
ماهیت: موضوع در قالب نشانه، هویت خود را مشخص می‌کند، نشات گرفته از تجارت منطقی و احساسی دامنه کاربرد: سازمان دهی جامعه و فرهنگ انواع رمزگان: آئین‌ها، مراسم و ...

۴. بازنمود اندیشه‌های نشانه‌شناسی در تحلیل متن معماري

هر متن اجتماعی به (مانند معماری) حامل پیام و یا مجموعه‌ای از رمزگان‌ها بوده که به وسیله روابط دلالتی و روابط درون متنی^{۱۷} به مخاطب انتقال داده می‌شوند. مخاطب نیز با توجه به شبکه شکل دهدۀ متن، لایه‌ها، روابط درون متنی و از طریق قراردادهای اجتماعی و فرهنگی و برداشت‌های ذهنی خود، به دریافت و رمزگشایی^{۱۸} و معنا سازی برای متن، همت می‌گمارد. بر پایه دانش نشانه‌شناسی، هر اثری به مانند یک بنای معماري به مثابه یک متن است که خوانش آن عبارت است از:

جهات (شکل ظاهری، صدا، احساس) مشابه مدلول است و یا آن را تداعی می‌کند.

۲. نمادها یا نشانه‌های نمادین^{۱۹}؛ آن

دسته از نشانه‌ها هستند که در آن دلالت کننده (دال)، هیچ شباهتی با مدلول ندارد. در واقع «میان صورت (دال) و معنایش (مدلول)، رابطه‌ای قراردادی برقرار است» (ضمیران، ۱۳۸۳، ص ۴۹).

۳. سومین گروه از نشانه‌ها که از آنها به نشانه‌های نمایه‌ای^{۲۰} تعبیر می‌شود، آنها یی هستند که مناسب دال و مدلول در آنها رابطه‌ای است علت و معلولی. برای مثال نشانه‌های طبیعی (دود، جای پا)، نشانه‌های پزشکی (درد، ضربان) و شاخص‌هایی در زبان (ضمایر شخصی، قید مکان) و ... نمونه‌هایی از نشانه‌های نمایه‌ای هستند که دلالت از نوع رابطه علت و معلولی است و نه قراردادی.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

آنچه لازم به ذکر است اینکه: «نشانه‌ها به تهایی معنادار نیستند و فقط وقتی که در ارتباط با یکدیگرند، تفسیر پذیر می‌باشند» (Chandler, 2008: 227). تولید و تفسیر متون به وجود رمزگان^{۲۱} یا قراردادهای ارتباطی بستگی دارد. بنابراین معنای ارسال کننده پیام و دریاف کننده آن پیوند برقرار می‌کند. «رمزگان چارچوبی را به وجود می‌آورد که در آن نشانه‌ها معنا می‌باشد» (chandler, 2009: 221). بر اساس طبقه بندی پیرس، سه نوع رمزگان در دانش نشانه‌شناسی قابل تعریف می‌باشد که عبارتند از «رمزگان علمی (منطقی)، اجتماعی و زیبایی شناختی» (مجیدی و زرآبادی، ۱۳۸۹، ص ۵۲). ویژگی‌های رمزگان سه گانه و دامنه کاربرد آنها در جدول ۱ مشاهده می‌گردد. بر پایه جدول آنچه بستر اصلی این نوشتار بر آن استوار است، نشانه‌های شمایلی و نمادین و در نتیجه، رمزگان‌های زیبایی شناختی و اجتماعی است که ماهیتاً با دانش معماري قرابت بیشتری دارند.

تأویل نشانه‌های آن توسط کاربر فضای این منظر «معماری نیز نوعی زبان است» (شولت، ۱۳۸۷، ص ۵۳۱) و از آنجا که «زبان نظامی است از واژه‌های وابسته به هم» (Saussure, 1966: 774)، یک اثر معماری متنی است که کلمه‌های آن احجام، بافت‌ها و اجزای تشکیل دهنده بنا بوده که ضمن وابستگی معنایی به هم از طریق رمزگان‌های زیایی شناختی و اجتماعی - فرهنگی، پیام خود را انتقال می‌دهند. معماری، یک متن لایه‌ای فضایی است و مانند هر متن دیگر در دنیای امروز، دارای مضمون و معناهای متعدد است. مخاطب با سفر در این متن / بافت، با توجه به زمینه‌های فرهنگی خود و بستر فرهنگی طرح معماری، به معنا سازی برای طرح می‌پردازد. نشانه‌های طرح از طریق رمزگان فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، زیایی - شناختی و ... در طرح معماری جای دارند. با توجه به چرخه تفسیر در فرآیند نشانگی، نقش نشانگی و نظام نشانگی، لایه‌های سیستمی: لایه کارکردی، اقتصادی، زیایی شناختی، اجتماعی، فرهنگی، زمان و لایه معنا به صورت روابط همنشینی و همزمانی بایکدیگر، متن لایه گون معماری را شکل می‌دهند.

۴. روابط همنشینی و جانشینی در خوانش متن معماری (معماری به مثابه متن)

بر اساس مباحث پایه‌ای دانش نشانه‌شناسی، یک متن (اعم از یک متن ادبی یا یک اثر هنری)، محصول دو جریان کلی به لحاظ چگونگی ترکیب و ترتیب عناصر سازنده آن می‌باشد که معنا، مفهوم و کارکرد آن را بنیان می‌دهد؛ که عبارتند از روابط همنشینی و جانشینی (که به لحاظ زمانی می‌توان از آنها به روابط همزمانی^{۱۹} و روابط در زمانی^{۲۰} تعبیر نمود). روابط همزمانی در دانش نشانه‌شناسی آن دسته از روابطی است که ناظر بر ترکیب زمانی عناصر یک متن می‌باشد. مقصود از روابط همنشین در واقع شیوه‌های متفاوتی است که عناصر درون یک متن را به هم می‌پیوندد. «روابط همنشین اهمیت روابط جزء به کل را برجسه می‌کنند» (سجودی، ۱۳۹۰، ص ۵۷). سوسور می‌گوید، «کل وابسته به اجزاء است و اجزاء وابسته به کل» (Saussure, 1987: 126). «روابط جانشینی

می‌توانند هم در سطح دال و هم در سطح مدلول عمل کنند» (Chandler, 2009: 127). مجموعه عناصر جانشین، مجموعه‌ای از دال‌ها یا مدلول‌های مرتبط با هم است که اعضای آن همگی عنصری از یک مقوله معین و متفاوت می‌باشند.

نکته حائز اهمیت این بحث این است که هم مناسبات‌های همنشینی و هم مناسبات‌های جانشینی، در شکل گیری سامانه جامع معماری متنوار، مؤثر و در تعامل با یکدیگر می‌باشند. هر متنی قبل از آنکه محصول آفرینش فردی مؤلفی باشد، نتیجه عملکرد پیچیده شبکه‌ی رمزگان‌های فرهنگی می‌باشد، که هم وجه، در زمانی دارند و هم وجه همزماتی، و همچنین روابط بنیامنی است که آن متن را به تاریخ انشاشه فرهنگ در حقوق دیگر مرتبط می‌سازد. به این ترتیب «هر متن، پیوسته در نظامی از روابط همنشین بـ لایه‌های دیگر و مجموعه‌ای از روابط جانشینی با تاریخ خود، متون دیگر و فرهنگ قراردارد» (سجودی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۵).

بازخوانی رمزگان‌های اجتماعی و زیایی شناختی آن بایستی بر پایه روابط بنیامنی صورت پذیرد. بنابراین سامانه یک متن و به طور خاص یک اثر معماری متن وار و فضای شهری، بیانگر ارتباطی است که بین لایه‌های متنی می‌تواند برقرار شود و بسته به چگونگی بر هم کنش لایه‌ها، سازمان درونی و بیرونی آنها، این ارتباط می‌تواند بافت ساز باشد یا بافت زد. برای مثال در مقایسه تطبیقی نحوه ارتباط و پیوستگی محله‌ها در گذشته و محله‌های امروزی شاهد، جایگزینی تدریجی رمزگان‌های اجتماعی - فرهنگی و زیایی شناختی، عنصری واسطه به نام مرکز محله در سیری در زمانی بود که این اتفاق فضایی نهایتاً به غیاب عنصری به نام مرکز محله یا میدان محله‌ای که در آن دانه بندی‌های فضایی، عناصر و اجزاء آن با هماهنگی بـ نظری، چیدمان شده‌اند، منجر می‌گردد.

۵. ویژگی‌های کلی بافت تاریخی کرمان

ساختمان فضایی معماری محله‌ها، مرکز محله‌ها، بازارها، حمام‌ها، مساجد و دیگر بناهای عمومی و خصوصی، حیاط‌های بزرگ و کوچک و معابر، بافت بسیار منسجمی را به وجود اورده‌اند. در

آنچه سبب گردیده تا بافت تاریخی کرمان در برش تاریخی مربوط به زمان خود کارا باشد، این است که لایه‌های متغیر سامانه، در ارتباطی بافت ساز با یکدیگر قرار داشته و برآیند این ارتباط که متأثر از مناسبات همزمانی و در زمانی مربوط به خود بوده است، فرآیندی هما فرا تلقی شده است. به این معنا که اجزای مختلف سامانه بافت تاریخی کرمان، اعم از اجزای ساختاری، کارکردی، اجتماعی - فرهنگی، زیبایی شناختی، معنایی و غیره در رابطه نحوي و نظاممند با یکدیگر قرار داشته و منجر به آفرینش بافتی پویا و منسجم در عین زیبایی و عملکردگرا بودن آن شده‌اند.

۶.۱ نشانه‌شناسی فرهنگی بافت

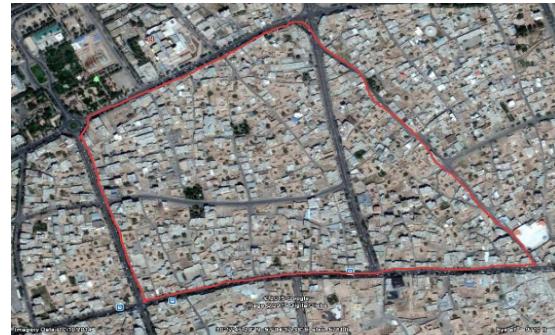
نشانه‌شناسی فرهنگی، نشانه‌ها را در ارتباط با روابط فرهنگی و مناسبات انسان‌ها بررسی می‌کند. «نشانه شناسی، چیزها و کنش‌های درون یک فرهنگ را نشانه می‌پندارد و از این راه درصد است تا قوانین و مقرراتی که اعضای آن فرهنگ، خودآگاه یا ناخودآگاه، پذیرفته‌اند و با آن‌ها به culler, (2007: 35). در طرح معماری بافت محله‌های مورد مطالعه نیز، هر عنصر مادی (اجزاء تشکیل دهنده بافت و بنا) یا هر ساختار فضایی (فضا سازی و تجمیل کش‌های مشخص انسانی در آن فضا) در متن / بافت، دالهایی را در پی دارد که با ساخت فرهنگی زمینه اثر، در ارتباط مقابل است. به تعبیر امبرتاکو^{۲۰}، «کارکردهای اشیاء در معماری به جز دلالت عین یا یک به یک خود، می‌توانند به واسطه ایدئولوژی خاصی، دلالت ضمنی هم داشته باشند» (Eco, 1997: 187). دلالت‌های عینی بیشتر بر اساس لایه‌های فایده، عملکرد، سهولت و تعاریف جهانی شکل می‌گیرند، ولی دلالت‌های ضمنی بیشتر مسئول انتقال احساسات و ارتباط‌های انسانی و طرح لایه‌ای ایدئولوژی ویژه هستند.

بافت محله‌ها در کرمان به دلیل دارا بودن ریشه‌های اعتقادی و مذهبی، ایدئولوژی خاصی را طرح می‌کند. درواقع محرومیت بافت محله‌ای مطرح است که از لایه برون به فضای درونی عناصر معماری و بنایها انتقال داده می‌شود. به این معنا که هرچه

یک کلام ما با ساختارهای محکم رو برو هستیم. «در جوامع سنتی این چهار نظام: فضا، مفاهیم، ارتباطات و زمان وحدت بیشتری داشتند و همسازتر بودند» (راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۷۳). ارتباط لایه‌های کارکردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... بافت منسجم و پویایی را برای حیات آدمیان فراهم کرده است. محله‌های پامنار، بازار شاه و ناصریه، از قدیمی‌ترین و منسجم‌ترین محله‌های کرمان می‌باشند که دارای عناصر، بنایهای ارزشمند و مرکز محله‌های پویا در زمان خود بوده‌اند. این محله در فاصله‌ای نه چندان دور از مرکز شهر و راسته بازار اصلی قرار داشته و در ارتباط با بازار و فعالیت‌های پیرامونی آن، بوده‌اند (شکل ۱ و ۲، محله‌ها در قدیم و بافت جدید).



شکل ۱. عکس هوایی بافت محله‌های کرمان (۱۳۳۵)



شکل ۲. عکس هوایی بافت محله‌های کرمان (۱۳۹۴)

۶. همگرایی و همنشینی در خوانش لایه‌های بافت

مطابق به چارچوب نظری و مباحث نظری نشانه شناسی ارائه شده در بخش‌های قبل، می‌توان چنین استنباط نمود که از منظر نشانه شناختی،

۶.۳. جهت حرکت در نشانه‌شناسی معماری محله‌ها: از بیرون به درون، از حاشیه به مرکز

یکی از مباحث اصلی نشانه شناسی (به ویژه نشانه شناسی معماری) حرکت درون یک متن است. حرکت درون فضای معماری نه تنها کارکردی ابتدایی و فایده گرا دارد، بلکه در سطح‌ها و رمزگان‌های اجتماعی-فرهنگی و زیبایی شناختی مطرح است. در نشانه شناسی معماری، «متاثر از نظریات فردینان دوسوسرور^{۲۲}، تقابل بین بیرون و درون را در قیاس با تقابل دال و مدلول قرار داده‌اند» (Noth, 1995: 437). به این ترتیب، آنچه تلقی ما از بیرون بافت ویژگی فیزیکی نشانه است و آنچه درون بافت محله‌ها و درون بناهای می‌بینیم، ویژگی ذهنی نشانه است. در حقیقت نشانه از لایه برون به درون، حرکت به سوی مدلول است که وجه ذهنی و معنایی نشانه و عمق متن را رهبری می‌کند. آنچه لازم به ذکر است اینکه به غیر از تقاضا، رعایت وزن و تنشیات، نظام خاص حرکتی از لایه‌ای به لایه دیگر حاکم است. حرکت از بیرون بافت و محله شروع می‌شود و هر آنچه دیده می‌شود، دیوارهای یکدست و بلند ساده‌ای، که کمتر روزنامه‌ای دارند و نظم لایه‌ای و ارتقاطی است که با آن می‌توان به هر نقطه دلخواه از فضا رسید. همه نگاه‌ها، معطوف به مرکز محله و حیاط خانه‌هاست. هر چه هست گذر از لایه‌ای به داخل لایه‌ای درونی، که ساختار اصلی است.

۶.۴. تقابل لایه‌ای بیرون و درون بافت

تکثر و تنوع فضاهای کاربری‌هایی با کارکردهای متتنوع در محله‌های کرمان کاملاً مشهود است. این کارکردها را در سه بخش می‌توان طبقه‌بندی کرد: «فضاهای عمومی» مانند: مساجد، تکیه‌ها، حمامها و ...؛ «فضاهای خصوصی» به مانند: خانه‌ها و فضاهای درون خانه همچون: شاه نشین، پنج دری، تالار و ...؛ «فضاهای میانی» که در واقع ما بین فضاهای عمومی و خصوصی قرار می‌گیرند. اگر از بیرون بافت به درون بافت حرکت کنیم، فضاهای میانی یا واسطه، بین دو قطب دیگر وجود دارند که اتفاقاً به دلیل واسطه بودن به گونه‌ای پارادوکسی،

از بیرون بافت به درون بافت، مرکز محله‌ها، فضاهای خصوصی و عمومی بنها وارد می‌شوند؛ جزئیات، عناصر تزئینی و محرومیت‌های خانواده و اهالی آنها بیشتر و پر رنگ‌تر می‌شود. به تعبیری نشانه شناختی، هر نشانه بافت و بنای اجتماعی-فرهنگی، در رابطه همنشینی ویژه‌ای با رمزگان‌های کارکردی و دیگر رمزگان نحوی قرار می‌گیرد.

۶.۵. ساختار هزارتویی لایه‌ای بافت

لایه مربوط به فرم و ساختار هندسی بافت، عمدها در تعاملی هم افزای با لایه مربوط به نظام ایدئولوژیک زمان خود می‌باشد و همزمان به لایه نیازهای اقلیمی نیز پاسخی مناسب و بافت ساز ارائه می‌دهد، در حقیقت «رمزگان نحوی»²¹ منطق همنشینی دانه بندی بافت را، در نظر دارد. به این معنی که «عناصر معماری بر اساس منطق خاصی در رابطه همنشینی در کنار یکدیگر قرار Eco,(1997: 193). مانند رابطه کوچه با خانه‌ها، کوچه با مرکز محله، ورودی با حیاط و کالبدهای معماری با کاربری‌های متفاوت در هم‌جوار یکدیگر. درواقع اساس کار، ساختار لایرنگی (هزارتویی) می‌باشد. در ساختار هزارتویی، کوچه‌ها پر از پیچ و خم‌اند و هیچ جا نمی‌توان ایستاد و تا انتهای را دید. در معماری محله‌ها، تظاهر بیرونی کمتر وجود دارد و همه شکوه و توجه به درون است. ساختار پیچیده کوچه‌ها علاوه بر محرومیت‌ها، بحث کنترل باد را به عهده دارد. همچین طی کردن این مسیر و ناظر بودن بر پرسپکتیوهای متفاوت و زیبا که گاه‌ها چهره آسمان کم می‌شود و دوباره پیدا می‌شود و در نهایت رسیدن به خانه و یا مرکز محله که فضایی به تمام معنا با شکوه و عملکردی را پدید می‌آورد. همنشینی چنین لایه‌ای (کارکردی، اقلیمی، زیبایی شناختی و اجتماعی-فرهنگی)، بافت ساز بودن را به همراه دارد.

هم این دو قطب را تهدید می‌کنند و هم فاصله بین آنها را حفظ می‌کنند. به بیانی دیگر، حرکت از لایه‌های بیرونی با ساختار و هویت خاص خود به لایه‌های درونی با ساختار و هویت خاص دیگر، از طریق لایه‌ای میانی، در متن/بافت محله‌ها صورت می‌گیرد که همگی آنها برای تشکیل بافتی با ساختارهای متفاوت الزامی می‌باشد. با توجه به آنچه ذکر شده، ذکر این نکته ضروری است که منظور از هم افزایی و بافت ساز بودن لایه‌ها، ارتباط تمامی لایه‌ها اعم از ایدئولوژیک، کالبدی، اقلیمی و اجتماعی و ... به نحوی کارآمد در ساخت و تعریف هویت بافت/متن معماری می‌باشد. در جدول زیر شاخص‌های لایه‌های رمزگان در آفرینش بافت، سه محله مورد مطالعه در کرمان بیان شده‌اند (جدول ۲).

جدول ۲. خوانش بافت محله‌های مورد مطالعه در گذشته، از منظر نشانه شناختی و لایه‌های رمزگان؛ مأخذ: نگارنده.

محله ناصریه	محله بازارشاه	محله پامنار	مصاديق شاخص‌ها	عنوان	لایه رمزگان
اتحاد محلی، اجتماع قانون مدار و ارزش‌مدار			اجتماعی و فرهنگی		
اعتلای ساختاری، تبیین ارزش‌ها			مذهبی		
نهادمحوری، همسوی ارمنی			آموزشی		
رشد، ارزش افزوده			اقتصادی		
تعلق اجتماعی، انسجام، وجود نمادها، هنجارهای خاص، ساختار و نظم اجتماعی و سیاسی و حس تعلق، بافت ساز بودن محله را موجب شده است.				میان شالوده‌ای	لایه‌های روزگار
منسجم، سلسله مراتب از کل به جزء، توجه به درون	فرم				
توجه به نیازهای انسانی، همخوانی با محیط و کالبد مجاور	تناسبات				
پرهیز از شمایل‌گرایی، متأثر از لایه‌های ایدئولوژیک اسلامی	تزئینات				
ساختار هزارتویی، نظم در بی‌نظمی	ساختار هندسی				
فرم و کالبد بیان کننده نوع کاربری	دلالت‌های مستقیم				
اشارة به نمادها، شبیه‌ی ای و ارجاع به طبیعت	دلالت‌های ضمنی				
نگاره‌ای، انتزاع و خلاقیت در شکل و جزئیات عناصر	ترفندهای بلاغی				
قابل درون و برون، حرکت از بیرون متن به درون متن، تفسیر					
معانی متفاوت متن / بافت	روابط بنیامتنی			معنا	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

■ ۱۳۵ ■

۷. انسجام‌زدایی سامانه بافت محله‌های معاصر کرمان

متن/بافت، همانطور که گفته شد، شبکه‌ای باز است و متشکل از لایه‌های متغیر متفاوت که خود حاصل رمزگان متفاوتند. از آنجا که معماری به مثابه متن «حاصل عملکرد نظامهای مختلف نشانه‌ای است» (سجودی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۳) و با بسیاری از شاخص‌های دیگر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، ساختاری و غیره در تبادل سامانه‌های می‌باشد، «در طول حیات در زمانی اش دچار تغییراتی می‌شود که ناشی از دگرگونی‌های فرهنگی، تغییر در ساختارهای اجتماعی و نظامهای ارزش و معناست» (سجودی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۳). اما این رابطه و تبادلات سامانه‌ای متقابل بین لایه‌های نظامهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، ساختاری، زیباشناصی و ایدئولوژیک آنگاه می‌تواند در متن/بافت معماری، هم‌افزا گردد که کلیت و ساختار بافتی منسجم و پویا را آفریده و آن را تقویت و حفظ نمایند. لیکن در ادامه به مواردی اشاره خواهد شد که نشان می‌دهد که در بافت محله‌های امروز به دلیل به هم خوردن نظام لایه‌های ذکر شده، شاهد رویکردی تخریبی می‌باشیم که این امر سبب بروز اختشاش سامانه‌ای بافت و در نهایت ناکارایی محله‌های امروزی در بافت را موجب گردیده است. نمونه اولی که برای این تغییرات در زمانی (از نوع مخرب) می‌توان به آن استناد نمود، تغییرات فضایی در نظام محله و مرکز محله می‌باشد. به این معنا که با بهم ریختن نظام لایه‌ای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، ساختار محله به هم می‌ریزد. توضیح آنکه در نظام محله‌ای سنتی، نظام

انسجام و یکپارچگی محله ها

۵. نادیده گرفتن پتانسیل های محله ای و در نهایت به بی هویتی درون محله ای اشاره کرد.

نمونه دومی که برای این تغییرات می توان اشاره کرد، برخی تغییرات فضایی خانه امروزی می باشد. در نظام لایه ای مسکن سنتی در گذشته، ترکیب فضایی به گونه ای بود که همنشینی لایه های فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی با سایر نظام های فرهنگی، اجتماعی متن / خانه، در برش تاریخی خود، همسو و هما فراز است. در حالی که در نظام الگویی معاصر خانه در بافت، حریم سکونتی و در حقیقت حجاب سکونتی بافت، به دلیل به هم ریختن لایه اجتماعی - اعتقادی، معنایی دیگر یافته است (جدول ۳).

فضایی به نحوی می باشد که همنشینی فضاهای عمومی، مرکز محله و فضاهای خصوصی همچون خانه ها، کوچه ها، هماهنگ و هما فراز می باشد و انسجام کلیت متن / بافت، پاسخگوی نیازهای فضایی، اجتماعی خود می باشد. در حالی که در محله های امروزی، به دلیل تغییرات در زمانی مرز بین محله ها و فضاهای عمومی و خصوصی ازین رفته و در واقع ماهیت محله و دانه بندی عناصر آن دچار اختشاش شده است. دلایل آن را می توان به:

۱. نفوذ پذیری به مرزهای محله ها به علت الزامات شهرسازی (به مانند خیابان کشی و عبور پل و ...)
۲. تغییر ماهیت مرکز محله از یک فضای پویا و کارآمد اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی به تقاطع ها و پارکها

۳. ورود تکنولوژی نوین ارتباطی و اطلاعاتی

۴. عدم توجه به اقلیم و دانه بندی صحیح و متوازن در بافت / متن محله و در نهایت عدم توجه به

جدول ۳. مقایسه الگوی فضایی گذشته و معاصر محله های مورد مطالعه؛ مأخذ: نگارنده

الگوی فضایی زمان	فضای عمومی باز	فضای خصوصی باز	فضای عمومی بسته	فضای خصوصی بسته	فضای خصوصی بسته
گذشته بافت	میدان محله	مرکز محله	مسجد، تکیه، حمام و ...	ساباط، دلانها	حياطهای اندرونی و بیرونی
وضع موجود	ندارد	پارکها	مسجد	ندارد	تصورت مشاع

نمونه سومی که برای این تغییرات نظام لایه ای می توان به آن استناد کرد این است که به دلیل روابط در زمانی شکل گرفته در طی زمان، کاربری های محله همانند مساجد و بخصوص خانه ها در چهره بیرونی خود، به عنصری بصری دارای ارزش مادی تبدیل شده است. در حقیقت کیفیت منظر ذهنی و درونی به منظر عینی و بیرونی تبدیل شده است. به این معنا که برخلاف الگوی غالب در عناصر محله در گذشته که غالباً توجه به درون اهمیت داشت و آدمیان با سلسله مراتبی پیچیده و هماهنگ با بازی نور و سایه ها در پیچ و خم کوچه ها (که هم کارکردی بود و هم اقلیمی)، با سرزندگی به عرصه خصوصی خود نزدیک وارد می شدند. به گونه ای دیگر شأن و اعتبار منظر خانه و بناهای دیگر محله در لایه ای خصوصی تر خود را به نمایش می گذاشت. اما برآیند این عوامل و لایه ها در سیر در زمانی خود سبب شد تا چهره بیرونی عناصر بافت اهمیت بیشتری پیدا کرده و در مواردی، خانه های امروز بافت به عنصری بصری تبدیل شده است. این عنصر بصری گاهی جهت نمایش شئون اجتماعی مالک نیز می باشد. این تغییر حالت در واقع

۸. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

بر پایه آنچه بیان شد، هر متن / بافت معماری، از لایه‌های متعدد و همین‌سین با یکدیگر تشکیل شده که می‌توان نشانه‌های سازنده بافت تاریخی را در تحلیلی نشانه شناختی همچون یک متن، بازخوانی نمود. محله‌های تاریخی کرمان دارای ساختار و بنایی هستند که در چندین لایه و سطح با مخاطب ارتباط برقرار می‌کنند. خلاف معماری و طراحی

شهری سرگشته امروزی ایران، در این بافت‌ها، شاهد مهارت خاصی در استفاده از عناصر معماری و رمزگان‌ها هستیم تا علاوه بر کارکرد ابتدایی در چند سطح؛ رمزگانهای اجتماعی - فرهنگی، کارکرده، زیبایی شناختی و معنایی با فرهنگ مردمی که در آنها سکنی داشته‌اند و در سطح کلان‌تر با اجتماع، در هماهنگی تمام می‌باشد. سامانه‌های متن / معماری از جمله متن / محله‌ای مورد مطالعه خمن اینکه حاصل رمزگانهای مختلف می‌باشد، متأثر از مناسبات هم‌مانی و درزمانی بین لایه‌های معماری (ساختار، ارتباطات فضایی، ترکیب احجام، پیکربندی و غیره) و لایه‌های فرامعماري (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیبایی شناختی و غیره) می‌باشد که می‌توانند در راستای روابط همنشینی و جانشینی، یکدیگر را تقویت یا تخریب نمایند. نتیجه همسو بودن این لایه‌ها، هم‌افزایی در سامانه متن / بافت محله‌ها خواهد بود که به انسجام بیشتر و پویایی آن منجر خواهد شد؛ همچنانکه طبق شواهدی که به آنها اشاره گردید، این هم‌افزایی، ارتباط لایه‌ها در بافت‌های تاریخی کرمان و بخصوص در محله‌های مورد مطالعه، سبب ایجاد بافتی یکدست و هماهنگ و در عین حال کارکرده شده است. اما چنانچه تعادل و ارتباط بین لایه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، کارکرده، معنایی، زیبایی شناختی و ...، در معماری و ساختار محله‌ای امروز از بین برود و لایه‌های متن / بافت، نسبت به هم نقش غیرهمگن و منفی ایفا کنند، نتیجه آن عدم انسجام و واپاشی سامانه بافت محله‌ای امروزی خواهد بود. در جدول شماره (۴)، روابط و شاخص‌های لایه‌ها در گذشته (بافت ساز بودن و انسجام محله‌ها) و در امروز (عدم انسجام و واپاشی محله‌ها) با هم قیاس شده‌اند.

در مناسبات درزمانی، به متن / بافت اضافه شده و رویکردی تقابلی دارد نه هم‌افزا و بافت‌ساز.

نمونه چهارم برای بیان این واپاشی و به هم ریختگی در لایه‌های بافت محله‌ای معاصر، عدم انتقال پیام و مفهوم و در واقع عدم وجود مبانی نظری از جانب فرم‌ها و کالبد بنایی جدید می‌باشد که منجر به ناسازگاری صورت و محتوا شده است. دلیل آن را می‌توان به عدم توجه و عدم هماهنگی لایه‌های تشکیل دهنده بافت از جمله، عدم تناسب لایه‌های هندسی با لایه‌های کارکرده، عدم تناسب الگوهای فرم با عملکرد، عدم تناسب الگوی مصالح با کاربری و بافت هم‌جوار، عدم تناسب الگوی برنامه‌ریزی کالبدی معماری بناها با نیازهای اجتماعی ساکنین و غیره اشاره کرد. در واقع تمامی این عوامل منجر به عدم خوانایی و ظهور معنا و مفاهیم در فرم‌ها و کالبد جدید می‌گردد. آنچه لازم به ذکر است، اینکه با ذکر مواردی از ناسازگاری و تغییرات درزمانی و هم‌مانی در طی زمان درساختار معماری بافت محله‌ها، شاهد عدم انسجام و همگنی می‌باشیم. در واقع با به هم ریختن شاخصهای لایه‌های رمزگان تشکیل دهنده بافت، با ساختار و متنی بافت زدا، روپرتو هستیم که نه کارکرده است و نه مفاهیمی را از زمانه خود به مخاطب خود انتقال می‌دهد.

جدول ۴. مقایسه شاخص‌ها و زیرلایه‌های رمزگان در ساختار شکل گذشته و معاصر محله‌های مورد مطالعه

محله ناصریه در بافت معاصر	محله ناصریه در گذشته	محله بازار شاه در بافت معاصر	محله بازار شاه در گذشته	محله پامنار در بافت معاصر	محله پامنار در گذشته	نمونه‌های موردی شاخص‌های زیر لایه‌ها	جهه نویسندگان
رابطه متضاد	رابطه هماهنگ	رابطه متضاد	رابطه هماهنگ، انسجام	رابطه متضاد، عدم انسجام	رابطه هماهنگ، تعلق اجتماعی	رابطه با بافت	
عدم توجه به قراردادها و روابط اجتماعی	نهادی انسانی- مدنی، توجه به توافق ضمنی	عدم توجه به روابط انسانی، مدنی	توجه مستقیم به قراردادهای اجتماعی، ارزشهای دینی	از میان رفتن مقاومیت ضمنی	توجه به قراردادهای اجتماعی و مذهب	روابط درون فرهنگی	اجتماعی - فرهنگی
عدم سازگاری	سازگار	عدم سازگاری	سازگار	عدم سازگاری	سازگار	زیست محیطی	
عدم بهره‌گیری از نور مناسب، سایه‌اندازی روی بناها	همسو با اقلیم، معماری بومی	جهت‌گیری نامناسب بناها، عدم بهره‌گیری از اقلیم	همسو با اقلیم، معماری بومی	عدم بهره‌گیری مناسب از نور	همسو با اقلیم، معماری بومی	اقلیم و بوم	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

■ ۱۳۸ ■

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

■ ۱۳۹ ■

نامنظم، بلند	خالص، کوتاه	بیان مدرن احجام	خالص، کوتاه	نامنظم، بیان مدرن، بلند	خالص، کوتاه	حجم	زیبایی شناختی
توجه به برون، عدم انسجام	منظمه، حیاط مرکزی	توجه به برون	منظمه، حیاط مرکزی	نامنظم، ناهمانگ با محیط	منظمه، حیاط مرکزی	فرم	
هندرسۀ مدرن، عدم توجه به نیازهای انسانی	هندرسی، منظم، همگن با کالبد مجاور	توجه به هندسه مدرن و بینظمی	همخوانی با محیط مجاور کالبد	بیان جدید از هندسه‌ای بدون تعریف	هندرسی، همخوانی با نیازهای انسانی	تناسبات	
عدم تشخیص کاربری از بیرون، غیرانسانی	انسانی	توجه به شکل و فرم، عنصری بصری	انسانی	غیرانسانی، عدم تشخیص کاربری از برون	انسانی	فضا	
بیانی مدرن از زیبایی	انتزاع و هماهنگی با اعتقادات، هتر و متاثر از مذهب	عدم تعریف زیبایی	انتزاعی و متاثر از ایدئولوژی زمانه	بدون تزئینات	پرهیز از شمایل‌گرایی، توجه به ایدئولوژی زمانه	آرایه‌ها	زیبایی شناختی
عدم تعریف	تعریفی سه بعدی، قاب‌بندی آسمان	عدم تعریف	خط اسماں سه بعدی، تعریف از طریق آرایه‌های (قطاره بندی)	آشتفتگی، عدم تعریف	تعريف خط آسمان و قاب‌بندی آن	خط آسمان	

عدم سازگاری کالبد و کاربری	بسیار مناسب	نامناسب، عدم سازگاری کالبد و کاربری	بسیار مناسب	نامناسب، تقابل فضاهای	نظام مناسب	کارکرد بنا	
عدم سازگاری	هماهنگ	عدم سازگاری	هماهنگ	عدم سازگاری	هماهنگ، روابط متعادل اجزاء	رابطه اجزاء و کارکرد	
عدم توجه به انتزاع و خلاقیت	خلافیت، انتزاع نگارهای	عدم خلاقیت، خودنمایی در بیان مصالح	نگارهای، انتزاعی، اشاره به طبیعت	غیرمستقیم نگارهای، توجه به خودنمایی	انتزاع، خلاقیت نگارهای، اشاره به طبیعت	ترفندهای بالغی	
عدم دلالت مستقیم در رابطه فرم و معنا	دلالت مستقیم در بیان معنا در رابطه فرم و کالبد	تعريف نامناسب از رابطه کل به جز در مفاهیم و رابطه فرم و معنا	بیان رمزی مفاهیم و معنا در شکل‌ها و ساختار هندسی بافت	عدم تعریف مفاهیم و معنا در ساختار جدید	دلالت مستقیم در بیان معنا در رابطه کل به جزء و فرم و کالبد در بافت	معناسازی	
عدم روابط بینامنی	تفسیر معانی متفاوت در متن / بافت	عدم تعریف معنا	قابل درون و بیرون، تفسیر معنایی متفاوت در متن / بافت	عدم تفسیر معانی	حرکت از بیرون به درون متن / بافت	روابط بینامنی	

مقاله حاضر با اهدافی چندگانه نگاشته شده است؛ نخست اینکه، سعی بر این بود که در ادبیات نقد معماری ایران، روش نقد نشانه شناسی به گونه‌ای قابل فهم و دور از نظریه پردازیهای پیچیده معرفی شود. دوم اینکه، به اعتقاد نگارنده، بافت تاریخی کرمان و به خصوص محله‌های آن با اهمیتی که دارد، هنوز به عنوان پیکره منسجم، مفهومی مورد خوانش دقیق قرار نگرفته‌اند و تلاش شد که با روش نشانه شناختی به این مهم نزدیک شد. سوم اینکه، رهیافت مشخصی که بر پایه مباحث تحلیلی این مقاله برای اصلاح سامانه‌ای بافت و محله‌ای امروز کرمان از منظر نشانه شناختی استخراج نمود بر این اصل اساسی استوار است که «ارتباط لایه‌های متن / بافت، محله‌های کرمان - ایران، آنگاه هم‌افزا و منسجم خواهد بود

منابع و مأخذ

۱. آرنهایم، رودولف، (۱۳۸۲)، پویه شناسی صورمعماری، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات سمت، تهران.
۲. الکساندر، کریستوفر، (۱۳۸۶)، معماری وراژجاوادانگی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات شهیدبهشتی، تهران.
۳. احمدی، بابک، (۱۳۸۰ الف)، ساختار و تأویل متن، نشر مرکز، تهران.
۴. احمدی، بابک، (۱۳۸۰ ب)، از نشانه های تصویری تا متن، نشر مرکز، تهران.
۵. احمدی، بابک، (۱۳۸۰ ج)، ساختار و هرمنوتیک، گام نو، تهران.
۶. اکو، امبرتو، (۱۳۸۷)، نشانه شناسی، ترجمه پیروز ایزدی، نشر ثالث، تهران.
۷. چندر، دانیل، (۱۳۸۷)، مبانی نشانه شناسی، ترجمه مهدی پارسا، انتشارات سوره مهر، تهران.
۸. دباغ و مختاربدمرئی، امیر مسعود و سید مصطفی، (۱۳۹۰)، تأویل معماری پسامدرن از نظر نشانه شناسی، مجله علمی-پژوهشی هویت شهر، شماره ۹، واحد علوم و تحقیقات تهران دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
۹. حقیقی، مانی، گزینش ویرایش، (۱۳۷۴)، سرگشتنگی نشانه ها، نشر مرکز، تهران.
۱۰. سجودی، فرزان، (۱۳۸۷)، نشانه شناسی کاربردی، ویرایش دوم، نشر دوم، نشر علم، تهران.
۱۱. سجودی، فرزان، (۱۳۸۸)، نشانه شناسی: نظریه و عمل، نشر علم، تهران.
۱۲. دوسوسور، فردینان، (۱۳۸۲)، دوره زبان شناسی عمومی، ترجمه کورش صفوی، نشر هرمس، تهران.

که مسائل و موارد مربوط به هر یک از لایه ها را با توجه به مؤلفه ها و شاخصه های سایر لایه ها و در رابطه ای همسو و وحدت گرای مورد خوانش قرار داده و حل نماییم». به بیانی دیگر آنچه سبب گردیده که در بافت محله ای معاصر کرمان، شاهد افول و به هم ریختگی و اغتشاش باشیم، آن است که مسائل مربوط به هر یک از لایه ها، نظیر لایه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ساختاری، عملکردی و غیره را به صورت منفصل و بی رابطه با سایر لایه ها حل نماییم. غافل از اینکه به محض فرعی قرار دادن لایه ای و عدم همنشینی لایه ها با هم، به اغتشاش و عدم انسجام و پویایی بافت محله ای، دامن زده ایم و نتیجه آن علاوه بر ساختار بی نظم و بی مفهوم، عدم آرامش و رضایت ساکنان را از فضای زندگی به همراه دارد. بنابراین طبق این نگاه، هر یک از لایه ها، هویتی منحصر به فرد و خوب سینه دارند. از این رو فرآیند حل تمامی مسائل آنها، تنها در ارتباط آنها با سایر لایه ها و رمزگان های آنها صورت می پذیرد. توجه توأمان به لایه های درگیر در طراحی و رمزگان ها، بازتابنده مفاهیم زیبایی شناختی با رویکردی اجتماعی - فرهنگی بوده که در عین پاسخگویی به نیازهای ساکنان، بافتی منسجم و وحدت گرای را رقم خواهد زد و تا زمانی که نوع نگاه انفصلی به لایه ها و عدم ارتباط آنها در رویکردهای حل مسائل سامانه معماري در متن / بافت، محله های کرمان حاکم باشد، مجموعه لایه های همنشین، بافت ساز نخواهد بود و نظام های ساختاری، زیبایی شناختی و فرهنگی، سامانه های وحدت گریز را بنيان می نهند.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

■ ۱۴۲ ■

- چیست؟، ترجمه علی میرعمادی، نشر ورجاوند، تهران.
24. Agrest & Gandelsonas, Diana & Mario, (1995), "Semiotics and Architecture", Princeton Architectural Press, New York.
 25. Arnheim, Rudolf, (1975), "The Dynamics of Architectural form:
 26. Based on the 1975 Mary Duck Biddle Lectures at the Cooper Union", University of California Press, Berkeley.
 27. Barthes, Roland, (1967), "Elements Semiology". Trans, A. Levers & C. Smith & Hill & Wang, New York.
 28. Culler, Jonathan, (1981), "The Pursuit of Signs", Routledge, London.
 29. Eco, Umberto, (1979), "A theory of Semiotics", Indiana University Press, Bloomington, Indiana, USA.
 30. Eco, Umberto, (1979), 'Function and Sign: The Semiotics of Architecture in Rethinking Architecture: A Reader in Cultural Theory", Ed. By Neil Leach, Routledge, London.
 31. Kristeva, Julia, (1980), 'Desre Language: A Semiotic Approach to Literature and Art" (New Yory);Columbia University Press.
 32. Martin & Ringham, Bromwen & Feliztas, (2000), "Dictionary of Semiotics", Cassell, London & New York.
 33. NÖth, Winfried, (1995), "Handbook of Semiotics", Indiana University Press, Bloomington and Indianapolis.
 34. Peirce, Charles Sanders, (1931-1381), نشانه و نشانه شناسی؛ بررسی تطبیقی آرای سوسو، پیرس، اکو، مجله زیبا شناخت، ص ۸۳-۱۰۰، معاونت امور هنری وزارت ارشاد اسلامی، تهران.
 14. ضیمران، محمد، (۱۳۸۲)، درآمدی بر نشانه شناسی هنر، نشر قصه، تهران.
 15. ضیمران، محمد، (۱۳۷۹)، ژاک دریدا و متافیزیک حضور، نشر هرمس، تهران.
 16. شیرازی، محمدرضا، (۱۳۸۱)، نشانه شناسی معماری، مجله معمار، شماره ۱۶، تهران.
 17. صفوی، کوروش، (۱۳۸۳)، شکل گیری نشانه ها، مجموعه مقالات اولین هم اندیشی نشانه شناسی هنر، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
 18. فلامکی، محمد منصور، (۱۳۹۱)، اصل ها و خوانش معماری ایرانی، نشر فضا، تهران.
 19. کالینسن، دایانا، (۱۳۸۵)، تجربه زیبا شناختی، مجموعه مقالات زیبایی شناسی و فلسفه هنر، ترجمه فریده فرنودفر، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
 20. کالر، جاناتان، (۱۳۸۶)، فردینان دو سوسور، ترجمه کوروش صفوی، انتشارات هرمس، چاپ دوم، تهران.
 21. گیرو، پی یر، (۱۳۸۷)، نشانه شناسی، ترجمه محمد نبوی، نشر آگاه، چاپ سوم، تهران.
 22. مهدوی نژاد و بمانیان و خاکسار، (۱۳۸۹)، هویت معماری، مجله هویت شهر سال پنجم شماره ۷، ص ۱۱۳-۱۲۲، علوم و تحقیقات تهران دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
 23. یوهانسن ولارسن، یورگن دنیس وسونداریک، (۱۳۸۷)، نشانه شناسی

- 58), "Coolected Writings" (8Vols.) (Ed. Charles Hartshorne, Paul Weiss & Arture W. Burks). Cambridge, MA: Harvard University Press.
35. Saussure, Ferdinand de, ([1916] 1983): "Course in General Linguistics" (trans. Roy Harris), Duckworth, and London.
36. Walker, Paul, (1986), "Semiotics and the Discourse of Architecture", Thesis (Phd.Architecture), University of Auckland.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۸ پاییز
No.48 Autumn 2017

■ ۱۴۴ ■